

پیاده سازی جلسه بیست و ششم

بسم الله الرحمن الرحيم

جلوه های انحراف در بحث تفسیر با ورود اسرائیلیات و مسیحیات و مجوسیات

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علي أعدائهم الغاصبين....

استحضار دارید که بحثی که در محضر شما داشتیم آسیب شناسی تفسیر و تفاسیر است. یعنی در مسیر تفسیر نصوص دینی و بویژه قرآن ولی انحصار به قرآن ندارد که چه آسیب‌هایی موجود است و در تفاسیر و متون تفسیری که تراش گذشتگان است چه آسیب‌هایی راه پیدا کرده است.

من مخصوصاً تأکید کنم که این اختصاص به قرآن ندارد بنابراین حتی اگر کسی بخواهد در فقه و روایات و ادعیه کار کند باید مواظب این آسیب‌ها باشد. برخی از آسیب‌ها را مطرح کردیم و یکی از آسیب‌ها که در متون تفسیری وارد شده است « ورود يك سري اسرائیلیات، مسیحیات، مجوسیات در متون تفسیری است.»

شخصی به نام اوس بن خارجه مسیحی است و راهب است در سال 9 هجرت به مدینه آمده و مسلمان می‌شود و يك مسلمان دزد بوده است چون در يك سفری که به سمت شام داشتند یکی از رفقای او که مریض شد و احساس کرد که می‌میرد به همین اوس بن خارجه وصیت کرد و او عدي بن بداء بود که اموال مرا به دست زن و بچام بنویس، يك صورت اموالی نوشت و در بین ائانه گذاشت و این‌ها نفهمیدند، این ائانه چیز با ارزشی نبود فقط يك قدح گرانقیمت در این ائانه بود و با رفیقش تقسیم کردند. وقتی زن و بچه رسید اموال را دیدند و قدح گرانقیمتی بوده که الان نیست و قضیه به پیامبر کشید و آیه 106 و 107 مائده به همین ماجرا دلالت دارد و نتوانستند کتمان کنند. از آثار شوم سقیفه این است که همین شخص قصه‌گوي مسجد پیامبر می‌شود. در زمان خلیفه سوم علاوه بر قبیل از نماز جمعه، این قصه گویی را به دو روز در هفته تبدیل کردند و قصه‌گویان همین کعب و اوس و وهب بن منبه و ابوهیره شروع به داستان سرایی کردند. این‌ها يك نهضت فرهنگی در بدنه اسلام راه انداختند و اوس مطالب مسیحیان را وارد کرد و وهب اسرائیلیات را مطرح کرد. بعد از عثمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این‌ها را از مسجد بیرون کرد و این‌ها به دربار معاویه رفتند و بخش سوم و فاز سوم با یهود شروع شد و آن دخالت در امور سیاسی بود که در زمان معاویه به او مشورت می‌دهند و.... این بحث ارتباط مسلمانان با اهل کتاب بود. در این فرصت تدوین احادیث پیامبر ممنوع است. این‌ها با داستان‌های خود از تورات و انجیل نفوذ فرهنگی در بین مسلمانان پیدا می‌کنند. این‌ها بیش از سه دهه فعالیت داشتند و چیزی بیش از 400 هزار حدیث نقل کردند. و این‌ها در تفاسیر مسلمانان راه پیدا کرد. شیعه يك مرجعی دارد به نام اهل بیت علیهم السلام که از آن استفاده می‌کند. همانطور که آن‌ها از ما يك سري مطالبی را گرفته اند ما هم از آنان گرفتیم ولی کم است و لذا نمی‌شود که ادعا کرد متون ما اصلاً اسرائیلیات ندارد.

این‌ها با ایران ارتباط داشتند که اگر دقت کنیم شاید به يك سري مجوسیات هم برسیم، بله داریم که این‌ها می‌آمدند ایران و قصه رستم و اسفندیار را می‌گرفتند و نقل می‌کردند که ذیل آیه « و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله....» است که این داستان رستم و اسفندیار را می‌شنیدند و نقل می‌کردند چون این داستان مخصوص فردوسی نیست او داستان را پرورش داده است و بعد می‌گفتند که از پیغمبر از قوم عاد و صالح می‌گوید و ما از رستم و اسفندیار می‌گوییم که این آیه نازل شد. لذا اگر کسی بخواهد با معارف دین آشنا شود باید به این نکات توجه کند. يك مرتبه به اسم معارف دین اسرائیلیات به خورد او داده نشود یا اینکه او به خورد دیگران بدهد. این دامی است که شبکه‌ی یهود انجام دادند و این از آثار شوم سقیفه بني ساعده

است و این در مدت سه خلیفه بوده است و در زمان حضرت امیر بسته شدند و باز دوباره باز شدند.

این حرفی که زدیست است که اسرائیلیات و مسیحیات با فرهنگ اسلامی مخلوط شده است و یک محقق دینی باید مواظب باشد و خود ابوهریره هم داستانی دارد و شما هر کدام از رادیوهای عربی را ببینید چند حدیث بخواند بیشتر آن از ابوهریره است؛ آغاز خطبه‌های نماز جمعه آنان با ابوهریره است. این ابوهریره اولاً مجوسی است و اواخر عمر پیامبر به مدینه می‌آید و همیشه گربه‌ای در آستین داشته است لذا به این اسم معروف شده است. یکی از نویسندگان سنی عرب می‌گوید که من تعجب می‌کنم شخصیت‌هایی مثل امیرالمؤمنین علیه السلام در دامن پیامبر بزرگ شدند و در تمام صحنه‌ها با پیامبر بودند و وقتی مجموعه را می‌بینیم گاهی صد حدیث از امام نداریم ولی این آدم یکی دو سال با پیامبر است و بیشتر معارف را از این چنین شخصی می‌گیرند.

دو نکته عرض کنم:

بعضی‌ها برخی از احکام اسلامی که خوششان نمی‌آید را به عنوان تراش یهود که به فرهنگ اسلام راه پیدا کرده است معرفی می‌کنند. نتیجه‌ی آن می‌شود **یهودی‌انگاری** برخی از مسائل مهم اسلام. آن یک خطر بود که پرهیز از اسرائیلیات در معارف دینی بود و این طرف هم هست که مسلمات دین را یهودی‌انگاری کنیم. سال گذشته یکی از نویسندگان حوزوی مطلبی در مورد حد رجم داشت، اصل تشریح رجم در مورد زن زانیه و مرد زانی محصن مسلم است و ما چیزی نزدیک به صد روایت در این مورد داریم، و یکی از همین آقایانی که از این حرف‌ها زیاد می‌زند گفت که این نظر یهودی‌ها است و عمر به دلیل خشونت زیاد از یهودیت گرفت و آن را اعمال کرد. برخی فقهای شیعه نا آگاه فتوا دادند و بنده جزوه «نقدی روش‌شناسانه بر بازپژوهی‌های اخیر در حد رجم» را نوشتم و برای مطالعه مفید است. در آن جا گفتم این چه حرف بیهوده ای است؟ این یهودی‌انگاری هم بد است که معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام را در کنار معارف یهود بگذاریم.

نکته‌ی دیگری که باید مد نظر داشته باشید این است که امروزه چیزی مطرح می‌شود تحت عنوان اینکه ما در روایات چون اسرائیلیات داریم فقط باید به قرآن اکتفا کنیم. خیلی‌ها وقتی مطلبی را می‌خواهند زیر سؤال ببرند می‌گویند کجای قرآن آمده است؟ وقتی آیه را برای او می‌خوانی قبول می‌کند و اگر در قرآن نیامده باشد نمی‌پذیرند. این‌ها یهودی‌انگاری نمی‌کنند بلکه می‌گویند چون روایات ما با اسرائیلیات ممزوج شده است دیگر صحیح را از سقیم نمی‌توانیم جدا کنیم. شاید اسلامی باشد و شاید نباشد، لذا کجای قرآن آمده است؟ وقتی سایت‌های ضلال مراجعه کنید می‌بینید که در این‌گونه مسائل می‌گویند در کجای قرآن آمده است و چون در قرآن نیامده است پس وجود ندارد. ورود اسرائیلیات به متون اسلامی و علما موجب شده است که این را بهانه کنند و شعاری کنند که آن یارو در اول داد که «حسبنا کتاب الله و کل شیء فی کتاب الله» را مطرح کنند و این خطری است در کنار حرف اول.

تهران یک جلسه‌ای بوده است که بعداً خبرش به دست من رسید که به مناسبت 14 سالگرد خانه‌ی موسیقی که از این خواننده‌ها، شعرا، آهنگ‌نواها از زن و مرد در آن جا بوده اند. سخنگوی خانه‌ی موسیقی در سخنانش می‌گوید و گلایه از وضعیت موسیقی ایران می‌کند که 35 سال زمستان موسیقی را مطرح می‌کند. در ادامه صحبت‌هایش گفته است که فقهاء باید جواب بدهند به همین عبارت که چرا موسیقی را حرام می‌دانند؟ هیچ دلیلی بر حرمت موسیقی نداریم دکتر شریعتی هم گفته است که در قرآن دلیلی بر حرمت موسیقی پیدا نکردیم. این چقدر اخلاقی است که یک ناپیژده‌دان یک کسی که تخصصی در فقه و اصول ندارد این‌گونه اظهار نظر کند؟ آن هم در کشوری که اسلامی است و فقهاء بر مسند کار هستند. اولاً خود مرحوم دکتر چقدر در قرآن و حدیث قدرت داشته که شما به حرف او استناد می‌کنید؟ یا اصلاً مگر قرآن تنها مجرای فقه است؟ این یعنی از سنت نباید سراغی گرفت به دلیل اینکه در سنت اسرائیلیات وارد شده است. این حرف در مورد اهل سنت کاری نداریم ولی در شیعه قطعاً صادق نیست چون از زمان امام کاظم علیه‌السلام یک نهضت پالایش احادیث داشته‌ایم و حداقل امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم‌السلام) این نهضت را دنبال کردند در زمان صادقین علیهما‌السلام زمان ریش بود که روایات را صادر می‌کردند و خیلی‌ها هم بهره‌مند شدند ولی از زمان امام کاظم علیه‌السلام نهضت پالایش احادیث شروع شد. یک حرکت عمیقی در جامعه شیعی رخ داد که احادیث پالایش شد به همین دلیل دانش رجال، درایه، علوم الحدیث و... خلق شد. یک مقدار بحث پراکنده شد.

ما از این جا شروع کردیم که یکی از آسیب‌هایی که در متون تفسیری وجود دارد و ممکن است که مفسر به آن مبتلا شود این

است که انسان بدون توجه به اسرائیلیات و مسیحیاتی که بر اثر نابخردي قدما وارد اسلام شد را گرفته و به خورد دیگران بدهد. اما در کنار این آسیب باید مواظب بود که راه افراط را نرفت و آن به دو شکل است یکی اینکه احکام مسلم را یهودی انگاری کنیم و دوم اینکه فکر کنیم هر چه در قرآن نیست به دلیل اختلاط روایات با اسرائیلیات را نپذیریم. الان ما گروه‌هایی داریم به نام «القرآنیون» در دنیای اسلام که حرف آن‌ها همین است. در طیف روشنفکران همین مبحث است و برخی هم قرآن را محدود به زمان و مکان می‌کنند که حکم قصاص کجاست؟ می‌گوییم «لکم فی القصاص حیوة» می‌گویند آن برای آن زمان است که با کشتن يك نفر قبيله‌اي به آشوب کشیده می‌شد که گفتند نه يك نفر در برابر يك نفر ولي الان که اعدام در خیلی از کشورها لغو شده است و در حقوق بشر داریم که کرامت انسان باید حفظ شود.

به هر روی این از مسلمات شیعه است و حتي يك سني سالم از حیث عقلي هم باید در کنار قرآن، اهل بیت علیهم السلام را قرار دهد چون «کتاب الله و عترتی» در کنار هم قرار گرفته است و جزو مسلمات اسلامي است. با احتساب این دو ثقل به قضاوت بپردازد.